



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۶/۱۰

عبدالعلی نور احراری

در رثای شخصیت علمی و اکادمیک کشور سید خلیل الله هاشمیان

در میان نویسندگان کشور کمتر کسی سراغ می شود که مانند استاد هاشمیان با کمال شجاعت و جرأت و شهامت ، سال های طولانی عمر پر بارش را وقف انتشار مسایل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور کرده باشد

صراحت لهجه ، قاطعیت ، برهنه نویسی او که گاه با الفاظ تند و درشت و حتی زنده توام بود، سیر اندیشه اش را بیان می کرد او را به حیث يك شخصیت استثنائی درآورده بود

بر این باور بود که باید حقایق را با خوانندگان شریک بسازد ، پروای آن نداشت که کسی از وی آزرده خاطر و یا ناراحت شود. البته در بیان اندیشه اش مانند هر کس دیگر گاه مرتکب سهو و خطا و دچار اشتباه می گردید ، چنانکه این امر باعث آن می شد که احساسات دیگران را بر انگیزد و با او درگیری لفظی در جراید صورت گیرد و گاه سخن از چهار چوب متعارف خارج و بیش از پیش زنده شود

روحیه مبارزه جویی در وی غالب بود ، گویی در سرشت وی نهاده شده بود آنچه نوشته آمد ، برداشت شخصی من از مقالات و مضامین بود که در مجله " آئینه افغانستان" به نشر رسیده بود، شاید هم این برداشت با سهو و اشتباه توام باشد

پیشینه شناخت من با مرحوم استاد هاشمیان از زمانی آغاز شد که من در افغانستان بودم و بیش از بیست سال از آن زمان می گذرد.

پیشنهاد طرح صلحی که از سوی سران محلی مهاجرین در ایران به "بینانسون" نماینده ملل متحد سپرده شد و بنده آن را ترتیب کرده بودم، از طریق غیر مستقیم که من غرض نشر نفرستاده بودم سر از مجله "آئینه افغانستان" در آورد و به نشر رسید، پس از آن شناختی پیدا شد و استاد مرحوم کتاب " خاک اولیا" را که اولین ترجمه من بود در " آئینه" به معرفی گرفت

از سال ۱۹۹۶ که به امریکا مهاجر شدم برای سالها مضامین و مقالاتم در جریده " امید" به نشر می رسید. روزی در شهر فریمونت دیداری با مرحوم استاد هاشمیان دست داد، با صمیمیت و گرم جوشی با من بر خورد نمود و این نخستین ملاقات بود ، به من گفت که مقالاتم را در " امید" می خواند و توصیف نمود سپس از من خواست که گاهی مضامینی به مجله "آئینه" هم بفرستم ، پس از آن همکاری قلمی ام با " آئینه" آغاز شد

آشنایی اندک اندک به دوستی گرایید و بارور گردید و ثمر داد و هر زمانی که مرحوم به شهر ما فریمونت می آمد ، سری به کلبه ام می زد و گاه شبی را به من افتخار میزبانی می داد

خاطرات بس جالب از گذشته های دور داشت ، به شیرینی قصه می کرد و از گرمی و سردی روزگار حکایت می کرد ، زمانی سکرتر سفارت افغانستان در لندن بوده و با مرحوم پژواک همکار ، و در آن زمان مرحوم شاه ولی خان کاکای مرحوم محمد ظاهر شاه سفیر افغانستان در انگلستان بود از مرحوم پژواک و اهلیت و شجاعت وی با آب و تاب سخن می گفت

مرحوم استاد هاشمیان از نظر من شخص عالم ، جوان مرد، به دوستی و رفاقت پایبند و نهایت پشت کار داشت و تا دم مرگ تلاش میکرد که بنویسد و از این راه دینی را که در خود احساس می کرد ادا نماید

این مرثیه را که قافیه آن به مصدر فعل آمده و در عرصه شعر و ادب نادر می باشد سروده ام تا اندکی دین دوستی را ادا کرده باشم و کاش مریضی اجازه ام میداد که به جنوب کالیفورنیا سفر کرده و در مراسم سوگواری آن مرحوم شرکت می کردم تا اندکی از اندوهم می کاستم

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رايرلو مخکې په خیر و لولئ

مرثیه :



سراسر غم رسد هر دم ز سويي
چنين بار گران تا كي كشيدين

نه ياراي شكيبايي ، نه صبري
نه از دام غم وا انده رهيدن

ز ضعف تن به خود پيچم شب و روز
دريغا مرگ ياران را شنيدن

يكي از رهروان علم و دانش
نقاب خاك را بر رخ كشيدين

خليل الله هاشميان ز سادات
ز قيد زندگي ناگه رميدن

بسي صعب است و سنگين اين مصيبت
نه ياران را توان آرميدن

دلير و راستگو مرد مبارز
قلم اندر كفش بر سر دويدن

به ميدان شجاعت بي مثل بود
صفاي طينتش در " آينه " ديدن

جوان مرد و سخاوتمند و جواد
ز حُب مال دنيا وار هيدين

حيات او سراسر وقف دانش
به اوج قلّه شهرت رسيدن

مقامش برتر است از آنچه گويم
" شنيدن كي بُود مانند ديدن "

ز تقصيرات او بگذر خدايا
خط عفوي به تقصيرش كشيدين

بهشت جاودانش باد ماوا
به روضات جنانت آرميدن

هفتم ماه جون ۲۰۱۸